

مدرسه عالی امام خمینی (ره)

## افساد فی الارض از نظر مذاهب اسلامی

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فقه و اصول

استاد راهنما؛ حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسن زمانی

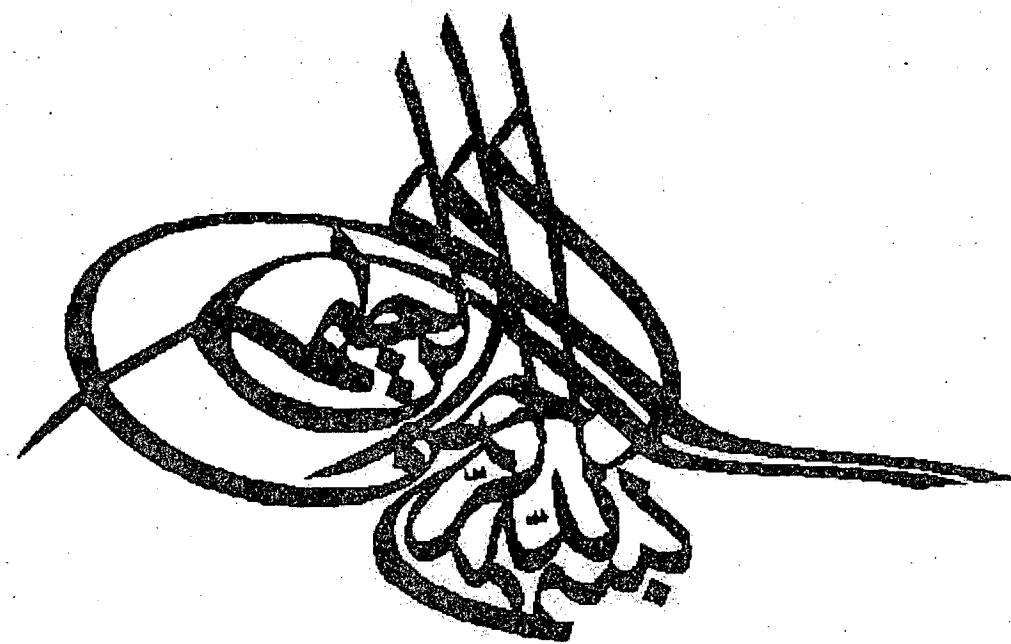
استاد مشاور؛ حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد مرادخانی

نگارش؛ لیاقت علی عالمی

دی ۱۳۸۵

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی  
شماره ثبت: ۱۴۹۴  
تاریخ ثبت:

- مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه به عهده نویسنده می باشد
- هرگونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع، بلا اشکال است و نشر آن در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.



**اهداء**

**تقدیم به آخرین منجی عالم بشریت که جهان را از فساد  
پاک و آکنده از عدالت خواهد کرد**

## تقدیر و تشکر

از همه عزیزانی که حقیر را در تدوین پایان نامه، یاری نمودند و از ریاست و مسئولین محترم مرکز جهانی علوم اسلامی و امور پایان نامه که زمینه ای را فراهم کردند، تا طلاب دست به قلم برده و رسالت خویش را به نحو احسن انجام دهند، تقدیر و تشکر می نمایم.

بالخصوص از حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین زمانی که صمیمانه دست بنده را گرفته و از پیچ و خمهای دشوار تدوین این اثر عبور داده و با راهنمایی های خویش حقیر را یاری فرمودند و همچنین از جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد مراد خانی تهرانی، استاد محترم مشاور، کمال تقدیر و سپاسگزاری را دارم.

## چکیده

افساد مصدر باب افعال از فَسَدَ يَفْسُدُ به معنی تباه کردن و از بین بردن است و افساد فی الارض یعنی ایجاد تباهی و خرابی در زمین. بر اساس شواهد می‌توان گفت که معنی اصطلاحی و عرفی افساد نیز تباهی و از بین بردن است. اما میان علمای مذاهب اسلامی تفاوت نظر وجود دارد مبنی بر اینکه آیا افساد فی الارض شامل جرایمی غیر از محاربه و قطع الطریق می‌شود یا نه؟ عده‌ی زیادی از علمای مذاهب مختلف اسلامی، بر این باورند که افساد فی الارض همان محاربه است و افساد فی الارض جرم جدای از محاربه نمی‌باشد. ولی عده‌ای از علمای مذاهب اسلامی اعتقاد دارند که افساد فی الارض چنانچه از معنی تحت اللفظی آن معلوم است یک مفهوم عام دارد که محاربه و قطع الطریق یکی از مصادیق آن است. و دلایل قرآن و سنت و دلیل عقلی بر تأیید نظر خودشان اقامه کرده‌اند. اما در میزان مجازات مفسد چندان سخن مشخصی نگفته‌اند. می‌توان استنباط کرد که اگر فردی مفسد فی الارض شناخته شود، باید اعدام شود؛ چرا که افساد فی الارض زمانی محقق خواهد شد که جرم به اندازه‌ی محاربه سنگین باشد. به نظر می‌رسد که نظر دوم درست باشد چرا که افساد همان فتنه است که در قرآن بدتر از کشتن تلقی شده است. پس افساد هم مفهوم عام دارد و هم به نحو اولی مجازات اعدام را در پی دارد. به اضافه‌ی اینکه شرایط زمانی و مکانی نیز اقتضا دارد که اولاً: مفهوم افساد فی الارض عام باشد چون امروزه جرایم بسیاری پدید آمده که به هیچ وجه کمتر از محاربه و قطع الطریق نمی‌باشد و ثانیاً مجازات این جرایم اعدام باشد به دلیل اینکه مصادیق اتم فتنه است و از طرفی ضرورت توجه به شرایط زمانی و مکانی در جعل احکام بر کسی پوشیده نیست.

## مقدمه طرح تفصیلی تحقیق

۱. بیان موضوع..... ۲
۲. سوالات اصلی و فرعی..... ۲
۳. ضرورت و اهداف..... ۳
۴. پیش فرضهای تحقیق..... ۴
۵. روش تحقیق..... ۴
۶. محدودیتهای تحقیق..... ۴
۷. سابقه‌ی تحقیق..... ۵

## بخش اول: مفهوم و مصادیق افساد در فرهنگ، قرآن و حدیث

- فصل اول: افساد در لغت و عرف..... ۷
- مبحث اول: افساد در لغت..... ۷
- مبحث دوم: مفهوم اصطلاحی افساد..... ۱۶
- الف: افساد در اصطلاح فقهاء..... ۱۷
- ب: افساد در اصطلاح مفسرین..... ۱۸
- فصل دوم: افساد در قرآن و حدیث..... ۲۴
- مبحث اول: قرآن..... ۲۴
- ۱- مفهوم فساد..... ۲۴
- ۲- فساد تکوینی و فساد تشریحی..... ۲۶
- ۳- مفهوم فساد تشریحی..... ۲۸
- مبحث دوم: فساد در احادیث..... ۳۱
- فصل سوم: افساد از نظر مذاهب اسلامی..... ۳۸

۳۸	مبحث اول: نظر فقهای شیعه.....
۴۴	مبحث دوم: افساد از نظر علمای اهل سنت.....
۴۸	جمع بندی و نتیجه گیری.....

## بخش دوم: مجازات مفسد فی الارض

۵۵	فصل اول: مجازات مفسد در قرآن.....
۵۵	رابطه بین مفسد و محارب.....
۵۶	مبحث اول: آیه ۳۲ سوره‌ی مبارکه مائده.....
۶۹	نتیجه‌ی مبحث اول.....
۷۱	مبحث دوم: آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی مائده:.....
۷۳	مفسدان از نگاه آیات قرآن.....
۷۶	نتیجه مبحث دوم.....
۷۸	فصل دوم: مجازات مفسد فی الارض در فقه شیعه.....
۸۵	فصل سوم: مجازات مفسد از نگاه اهل سنت.....
۸۷	۱. علمای حنفی.....
۸۸	۲. علمای مالکی.....
۸۹	۳. علمای شافعی.....
۹۰	۴. علمای حنبلی.....
۹۲	اقسام محاربه نزد اهل سنت.....
۹۵	جمع بندی نظرات علمای عامه.....
۹۶	فصل چهارم: نسبت بین محاربه و افساد.....
۹۶	ملاک تفاوت.....
۹۷	الف) فقهای شیعه:.....
۱۰۰	ب) فقهای اهل سنت.....
۱۰۵	دلایل تفاوت محارب با مفسد.....
۱۰۵	۱. دلیل قرآنی.....



۱۰۵	الف) آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده.....
۱۰۵	ب) آیه ۷۳ سوره یوسف.....
۱۰۷	ج) آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده.....
۱۱۰	د) آیاتی که در موضوع فتنه وارد شده است؛.....
۱۱۱	۲. دلایل روایی.....
۱۱۳	۳. وجوب نهی از منکر؛.....
۱۱۷	فصل پنجم: نقش زمان و مکان در تعیین نوع مجازات.....
۱۱۸	مبحث اول: مفهوم تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی.....
۱۲۱	مبحث دوم: تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزایی.....
۱۲۱	الف) در قرآن.....
۱۲۵	ب) در سیره‌ی رسول خدا(ص).....
۱۳۰	ج) در سیره‌ی خلفا و امیر المؤمنین.....
۱۳۰	اول: روش خلیفه اول.....
۱۳۲	۳- روش خلیفه سوم.....
۱۳۳	۴- امیر المؤمنین(ع).....
۱۳۶	جمع بندی و نتیجه گیری.....
۱۴۸	فهرست منابع.....

مقدمه:

## طرح تفصیلی تحقیق

## ۱. بیان موضوع

موضوع پایان نامه افساد فی الارض از نظر مذاهب اسلامی می باشد اما افساد نه به آن معنی که تمامی کتب فقهی شیعه و سنی که آن را عبارۀ اخری محاربه می دانند بلکه افساد به معنی فتنه و خارج کردن جامعه از تعادل. این تفسیر از افساد فی الارض نه تنها افساد را مساوی با محاربه و قطع الطریق نمی داند بلکه خود محاربه را یکی از مصادیق افساد فی الارض می داند و مجازات هایی که برای محارب در نظر گرفته شده است فقط به این خاطر است که محاربه یک نوع افساد فی الارض است بنابراین می توان گفت که اگر قاعدهی افساد بر گناهی منطبق باشد آن گناه همانند محاربه می تواند مجازات هایی از قبیل قتل، صلب، قطع ید و تبعید را در پی داشته باشد مثلاً ارتکاب عمل حرام در ابعاد گسترده و به قصد ایجاد فساد می تواند افساد فی الارض تلقی شده و مجازات سنگینی را در پی داشته باشد.

## ۲. سوالات اصلی و فرعی

سوالات اصلی:

سؤال اصلی و محوری این است که آیا مجازات و افساد فی الارض

یک چیز است یا نه؟

سوالات فرعی:

- آیا فقهاء اسلامی غیر از محاربه چیز دیگری را هم افساد دانسته اند

یا نه؟

- آیا شرایط امروزی که زمینه‌ی ارتکاب خلاف‌های بسیار خطرناک را به وجود آورده است می‌تواند سبب شود که افساد فی‌الارض یک معنی بسیار گسترده باشد و مجازات سنگینی را در پی داشته باشد؟

- قدما از فقهاء بیشتر از محاربه به عنوان افساد فی‌الارض بحث کرده‌اند. آیا فقهای امروزی هم اینگونه‌اند یا نه؟

## ۲. ضرورت و اهداف

دلیل اصلی انتخاب موضوع مزبور برای نگارنده ضرورت بسیار شدید آن است چرا که معتقدیم امروزه به دلیل پیشرفت بسیار زیاد جهان در زمینه‌های مختلف زمینه‌ی ارتکاب گنا‌هانی به وجود آمده است که می‌تواند خطر بسیار بزرگی برای سلامت جسمی، روحی و روانی جامعه‌ی اسلامی باشد مثلاً تولید و پخش انواع و اقسام موادی که جسم و روح انسان را تخدیر می‌کند و انواع وسائلی که می‌تواند جوانان یک جامعه را به فساد اخلاقی بکشاند و خانواده‌های زیادی را از هم پاشاند و از طرفی اینها مسائلی هستند که مخصوص به یک ملت و یک کشور نیست بلکه تمامی جوامع اسلامی را گرفتار آن هستند و اگر امت اسلامی بتواند در این زمینه به یک قاعده در مجازات مرتکبین آنها باز باشد و جامعه را از لوث وجود افراد مفسد پاک شود و یکی از اهداف تحقیق این می‌باشد که مذاهب اسلامی در این زمینه به وحدت نظر برسند و برای مفسد فی‌الارض عرضه را تنگ کند و این چیزی نیست که خیلی مشکل باشد بلکه به نظر می‌رسد که وحدت نظر این مورد به راحتی قابل دستیابی باشد چون مهمترین دلیل آن که آیات شریفه قرآن

می‌باشد مورد قبول همه‌ی فرق اسلامی است و فقط دقت و تحقیق لازم دارد تا موضوع واضح و روشن گردد.

#### ۴. پیش فرضهای تحقیق

افساد فی الارض یک مفهوم عامی است که محاربه و قطع طریق از مصادیق آن است.

آیات ۳۲ و ۳۳ سوره‌ی مبارکه مائده دلالت روشن بر گستردگی مفهوم افساد فی الارض دارد.

بعضی از فقهای قرون گذشته مفهوم عام افساد فی الارض را قبول دارند.

فقهای عصر حاضر ضرورت عام بودن مفهوم افساد را بیشتر درک کرده‌اند.

#### ۵. روش تحقیق

روش تحقیق به صورت کتابخانه و جستجو در منابع متعدد فقهی و تفسیری می‌باشد و در کنار اینها بعضی از مجلات که مباحث مرتبط با موضوع داشته است نیز مورد استفاده قرار گرفته است.

#### ۶. محدودیتهای تحقیق

مهمترین محدودیت تحقیق کم بود منابع نحو بسیار شدید بود به گونه‌ای که بنده به هیچ کتابی برنخوردم که بحث از افساد فی الارض به معنی فتنه و فساد یعنی غیر از محاربه را موضوع قرار داده باشد بلکه در طول تحقیقات از نبود منبع که بتواند برای راهگشا باشد رنج بردم و هر جا عنوان

افساد فی الارض مشاهده کردم در ادامه بحث از قطع الطریق و محاربه بود و فقط بعضی از بزرگان فقهی شیعه و سنی مورد اندکی را افساد دانسته و مجازات آن را نیز ذکر کرده بودند که این نمی‌توانست بحث را مطمئن و مستند گرداند. لذا دست به دامان قرآن شدم و برای تأیید آن نظریات عده‌ای از بزرگان را نقل کردن ولی به جرأت می‌توان گفت که این موضوع به شدت دچار کمبود منبع است و البته طبیعی هم هست به دلیل اینکه از ابتدا مفسرین آمدند و آیات ۳۲ و ۳۳ سوره‌ی مائده را به معنی قطع الطریق گرفتند و از طرفی در فقه باب مستقلی تحت این عنوان وجود ندارد و حتی افساد در فقه عموماً به معنی قطع الطریق تلقی شده است.

#### ۷. سابقه‌ی تحقیق

تا آنجا که بنده توانستم تحقیق کنم کتابی تحت عنوان افساد فی الارض به معنی غیر از محاربه ندیدم و فقط بعضی از مقالات یا فتاوی را توانستم ملاحظه کنم که در آنها افساد به معنی فتنه و گناهایی که می‌تواند هم ردیف قطع الطریق باشد تلقی شده است و مطالبی که محدودیت های تحقیق نوشته شده رساننده‌ی این است که این تحقیق تا چه اندازه سابقه داشته است.

**بخش اول:**

**مفهوم و مصادیق افساد در فرهنگ، قرآن و حدیث**

**فصل اول: افساد در لغت و عرف**

**فصل دوم: افساد در قرآن و حدیث**

## فصل اول: افساد در لغت و عرف

### مبحث اول: افساد در لغت

فساد ثلاثی مجرد از ماده ی فسَد یفسُدُ به معنی تباه شدن و افساد مصدر باب افعال به معنی تباه کردن است. فسد الشیء (فسوداً) من باب فسد... این تعریفی است که در کتاب المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر آمده.<sup>۱</sup>

مثل همین بیان را معجم الوسیط دارد می گوید: فسد الرجل یعنی اینکه آن مرد درستکاری را زیر پا گذاشت. فسد الامور یعنی امور درهم شد.<sup>۲</sup>

در لغت نامه ی المنجد هم آمده است فسد یفسُدُ یفسُدُ و فسُدَ یفسُدُ فسَاداً و فسوداً: تباه شد، فاسد شد، خراب شد (گندید). فسدت الامور: کارها درهم برهم و آشفته شد.<sup>۳</sup>

چنانچه ملاحظه می شود تعریف کلمه ی فساد در این سه کتاب لغوی یکسان است و آن عبارت است از بین رفتن و تباه شدن. و در مفاتیح الغیب آمده است فساد ضد صلاح است پس چنانچه صلاح شامل تمامی اقسام خیر و نیکی می شود فساد هم شامل تمامی اقسام

۱. المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲-۱، ص ۴۷۲.

۲. العجم الوسیط، الجزء الاول، ص ۶۸۸.

۳. المنجد، ج ۲، ص ۱۳۲۹.



گناه است پس کسی که عمل کند بغیر آنچه خداوند فرموده است پس او مفسد است.<sup>۱</sup>

فساد: ۱- خرابی و تباهی. ۲- شرارت، فتنه و آشوب. ۳- بی ارزش شدن یا از بین رفتن اصول اخلاقی و تربیتی. ۳- ظلم و ستم ۵- وجود عاملی که برخی از اعمال حقوقی به سبب آن دارای آثار قانونی نمی‌شوند. ۶- ارتکاب عمل ضد اخلاقی یا ضد دینی. ۷- از سامان افتادن نظام. ۸- قصد بد ۹- زوال صورت ماده.<sup>۲</sup>

فساد: ۱- تباه شدن ۲- نابود شدن ۳- متلاشی شدن ۴- تباهی و خرابی ۵- تلاشی فتنه و آشوب، زیان گزند، کینه و دشمنی، ظلم و ستم و... این عبارات در کتاب فرهنگ لغت دکتر معین موجود است که علی الظاهر فرق چندانی با آنچه در کتاب فرهنگ بزرگ سخن دکتر حسن انوری ندارد بلکه تقریباً عین همان است چرا که ایشان هم شرارت و بدکاری، بیماری زوال صورت ماده در مقابل کون که حصول صورت ماده هست پویندگی و اضمحلال و چرکی شدن عضو، پوسیدن و گندیدن را از موارد فساد ذکر کرده است.<sup>۳</sup>

و همچنین در کتاب فرهنگ و معارف اسلامی در قسمت تفسیر اصطلاحات فلسفی می‌گوید فاسدات مساوی است با موجوداتی که در معرض فنا و زوال‌اند.<sup>۴</sup>

۱. مفاتیح الغیب، ج ۱۱، ص ۶۵۴.

۲. فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، ص ۱۳۸۱.

۳. فرهنگ فارسی دکتر معین، ج ۲، ص ۲۵۴۵.

۴. فرهنگ و معارف اسلامی، ج ۳، ص ۱۳۸۸.

الفساد خروج الشيء عن الاعتدال قليلاً كان او كثيراً ويزادُه الصلاح  
و يستعمل ذلك في النفس و البدن و الاشياء الخارجه عن الاستقامه يقال فسد  
فساداً و فسوداً و افسده غيره. قال تعالى لفسدت السموات و  
الارض (مؤمنون/۷۱)

از آنچه تا به حال از اقوال علماء علم لغت نقل شد به دست می آید  
که فساد همان از بین رفتن و حالت طبیعی خودش را از دست دادن معنی می  
دهد. و اگر فساد به معنی هلاکت و شرارت و بدکاری معنی می شود می توان  
گفت که اینها از مصادیق فساد است بنا بر این فساد مصدر ثلاثی مجرد از  
ماده ی فسد یفسدُ یا فسد یفسدُ یا فُسِدَ یفسدُ به معنی تباه شدن است و افساد  
مصدر باب افعال به معنی فاسد کردن و تباه کردن ساختن می باشد برخی از  
اهل لغت به این دلیل که مفهوم عرفی فساد و افساد بسیار واضح و روشن می  
باشد تنها به ذکر نحوه ی استعمال و کیفیت اشتقاق آن اکتفاء نموده اند و  
توضیحی در مورد بیان مفهوم آن ذکر نکرده اند برخی دیگر مفهوم فساد را با  
نقیض آن تعریف نموده اند و گفته اند فساد مقابل صلاح و افساد مقابل  
نقیض اصلاح و مفسده بر خلاف مصلحت می باشد ولی بعض دیگر ضمن  
طرح این ماده به توضیح بیشتر در مورد مفهوم آن پرداخته اند.

از این میان بعضی هم فرموده اند که خروج الشيء عن الاعتدال را  
فساد می گویند مثلاً راغب اصفهانی می گوید فساد یعنی خروج الشيء عن  
الاعتدال قليلاً كان او كثيراً. لذا آیه ی شریفه که می فرماید لایریدون علواً فی  
الارض و لافساداً یعنی در زمین برتری (خودپسندی) و تباهی را اراده نکنند.

و فرموده که معنی آیه ی شریفه لوکان فیهما آلهه الاالله لفسدتا این است که اگر در زمین و آسمان غیر از خدای واحد حکم می راند این آسمان و زمین از اعتدال و نظم خارج گردیده و تباه می گشت و همچنین قاموس قرآن افساد را به معنی تباه کردن می داند.<sup>۱</sup>

در این میان دیدن آنچه در کتاب لغت نامه ی دهخدا آمده است خالی از فایده نیست ایشان می فرماید فساد یعنی تباه شدن ضد صلاح و همچنین به ستم مال کسی را گرفتن تباهی خشکسالی، گزند و زیان، ظلم و ستم، شرارت و بدکاری و در ادامه می فرماید فساد اعتبار در اصطلاح علم اصول عبارت از این است که احتجاج از روی قیاس بر صحت امر مورد ادعا دلالت کند اما قرآن خلاف آن حکم کند و اعتبار قیاس در مقابل نص باطل است و فساد العقل در اصطلاح پزشکی به معنی نسیان و بیماری فراموشی است و فساد الوضع در اصطلاح فلسفه عبارت از این است که دلیل معتبر در مورد یک حکم وجود داشته باشد در حالی که قرآن یا اجماع خلاف آن را می گوید و همچنین فساد شم، فساد شهوت، فساد عضو، فساد صوتی و فساد هضم همگی به معنی نداشتن حالت طبیعی و داشتن حالت غیر طبیعی آمده است.<sup>۲</sup>

و در پایان این بخش توضیح مفهوم فساد از نظر عرف حائز اهمیت است به دلیل اینکه به نظر می رسد مفهوم عرفی فساد خیلی واضح تر از مفهوم لغوی آن است و دلیل این وضوح این است که چون مردم بیشتر به این کلمه برخورد می کنند گویا اینکه یک ارتکاز بسیار قوی در این رابطه وجود

۱. قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۷۵.

۲. لغت نامه ی دهخدا، ج ۱۱، ص ۱۷۱۵۰.

داشته است و حتی می‌شود گفت که معنی لغوی فساد گرفته شده از مفهوم عرفی آن است چراکه اگر کس یا کسانی از آنچه هنجار جامعه به حساب می‌آید تجاوز کند عرفاً از نظر عرف مفسد محسوب می‌شود توضیح اینکه هر جامعه و هر دینی برای خودش یکسری ارزشها و یک سری مقدساتی دارد که در صورت شکسته شدن این هنجارها و ارزشها جامعه رو به انحطاط می‌گذارد و انحطاط جامعه و یا انحطاط ارزشهای دینی به هیچ وجه قابل قبول نیست البته این هنجارشکنی به شکلهای متفاوت ممکن است جلوه کند یعنی اینکه شخص شکننده ی هنجار یا ارزش گاهی به چنان ارزش یا هنجاری حمله می‌برد که حتی یکبار آن هم از جانب مردم آن جامعه قابل بخشش نیست و نمونه ی بارز آن راهزنی مسلحانه یا ایجاد آشوب و بلوا در جامعه است یا کسی که سعی نموده اقتصاد یک جامعه را به انحطاط بکشد. چنین شخص یا اشخاص عرفاً مفسد و خرابکار است اما اگر کسی یکبار و برای بار اول دست به سرقت حدی بزند این شخص عرفاً بار اول مفسد محسوب نمی‌گردد و اگر کسی بخواهد او را مفسد بداند یقیناً مورد قبول واقع نخواهد شد به دلیل اینکه شخصی که برای بار اول و آن هم به صورت سرقت معمولی اقدام به سرقت کرده است جامعه را در معرض خطر جدی قرار نداده است درست است که جرمی انجام داده است اما مفسد محسوب نمی‌شود ولی اگر همین سرقت را رویه خود قرار دهد مفسد محسوب می‌شود. منظور اینکه علی الظاهر شرع نیز از همین عرف پیروی کرده است چرا که اگر هنجار شکنی یک شخص به گونه ای باشد که حتی یکبار آن جامعه یا ارزش دینی را در معرض خطر قرار داده باشد آن شخص مفسد شناخته می‌شود و مجازات آن هم بسیار سنگین است مثلاً نمونه ی بارز مفسد محارب است و